

بر درآمدهای قانونی فوق‌پاره‌ای مالیات‌های غیرقانونی نیز از مردم می‌گرفتند چنانکه شرح آن داده‌شد. از جمله مالیات‌های مخصوص دوره بنی‌امیه یکی مالیات ماهی است که محمد بن مروان (سال ۷۲) موقع حکمرانی در ارمنستان برقرار ساخت و گمان می‌رود ده یک کشتیرانی نیز از مالیات دوره بنی‌امیه باشد، همچنین مالیات پنج یک که از معدن‌ها دریافت میشد از درآمدهای دوره امویان بشمار می‌آید و بهمین ترتیب مبلغ عایدات متنوع و متعدد گشت و تا زمان عباسی بیازده فقره رسید از اینقرار :

- ۱- صدقه یا زکوة ۲- جزیه ۳- خراج ۴- گمرک داخلی ۵- باج ماهیگیری
- ۶- ده یک کشتیرانی ۷- پنج یک معدن‌ها ۸- گمرک خارجی ۹- عایدات ضرابخانه
- ۱۰- مستغلات ۱۱- مالیات صنعتگران و غیره

موجبات زیادی مالیات اراضی (خراج) چه بود؟ خراج مالیاتی است که

بر زمین و یا محصولات زمین وضع میشود و موجبات زیادی آن متعدد بوده که مهم‌ترین آن بدینقرار میباشد :

چون مهم‌ترین اقلام مالیات همان خراج است و البته فزونی خراج کشور بسته بوسعت حاصلخیزی اراضی آن میباشد.

۱- وسعت مملکت عباسیان

و چنانکه میدانیم ممالک اسلام در زمان عباسیان بسیار وسیع

و بلکه وسیع‌ترین ممالک دنیای قدیم بوده است. (بویژه اگر اسپانی را نیز جزء آن حساب کنیم). فقط ممالک اسکندر کبیر شاید بوسعت آن امپراطوری بزرگ میرسیده است

برای پی‌بردن بوسعت ممالک اسلامی در زمان عباسی کافی است که وسعت آن

ممالک را در حال حاضر ذکر کنیم.

مساحت ممالک عباسی در قرن سوم هجری

نام کشور	آن حکومت میکند	مساحت میل مربع	ملاحظات مترجم
ایران تماما	دولت ایران	۶۲۸/۰۰۰	
افغانستان	مستقل	۲۱۵/۰۰۰	
بلوچستان	انگلیس	۱۳۰/۰۰۰	قسمتی متعلق بپاکستان و قسمتی متعلق بایران است

سند	انگلیس	۴۸/۰۰۰	جزء پاکستان است
ترکستان	روسیه	۲۵۲/۰۰۰	
قفقاز (تفلیس)	"	۱۵/۰۰۰	
ارمنستان و ترکیه	ترکیه	۲۷/۵۰۰	میان روسیه و ترکیه و ایران و عراق تقسیم شده است
عراق			
جزیره	ترکیه	۱۰۰/۲۰۵	فعال مستقل هستند
سوریه		۱۰۹/۵۰۹	
فلسطین			
عربستان	ترکیه	۲۰۰/۰۰۰	مستقل است
مصر	"	۴۰۰/۰۰۰	"
نوبه و سودان	سودان	۳۰۰/۰۰۰	سودان مستقل است
طرابلس غرب	ترکیه	۳۹۸/۰۰۰	مستقل است
الجزایر	فرانسه	۱۸۴/۵۰۰	در حال شورش است
تونس	"	۵۱/۰۰۰	مستقل است
مراکش	"	۲۹۹/۰۰۰	مستقل است

جمع کل ۴,۳۳۸/۰۱۴ میل مربع

جمع کل

و بنا بر این مساحت ممالک در زمان عباسیان (بدون اسپانی) برابر مساحت تمام اروپا بوده است. و اگر مساهمانان مالیات اراضی تمام اروپا را جمع میکردند از مالیات ممالک خودشان بیشتر نمیشد. حال باید در نظر گرفت که اکنون چه ممالک بزرگی در اروپا وجود دارد و اگر دولتهای اروپائی فقط بمالیات ارضی اکتفا میکردند طبعاً کارشان راست نمیآمد از آنرو است که مالیاتهای غیر مستقیم مثل مالیات توتون و مشروب و غیره وضع کرده اند.

این را هم باید گفت که تنها وسعت مملکت موجب ازدیاد ثروت نمیشد زیرا

در زمان سلطان سلیمان قانونی وسعت مملکت عثمانی تقریباً با اندازه وسعت ممالک عباسی بود، معذک در آمد آن از ۶۵ میلیون فرانک تجاوز نکرد (چنانکه گفته شد) و بنابر آن علاوه بر وسعت ممالک عباسی کوشش در امر کشاورزی، سنگینی مالیات، حاصلخیزی زمین و امثال آن موجب ازدیاد در آمد در دوره عباسیان میباشد.

در فصل مربوط بیت المال اشاره شد که خلفای بنی امیه و عمال

۴ - توجه مردم بامور کشاورزی
آنان برای وصول مالیات ارضی (خراج) همه نوع جور و ستم روا میداشتند و خواه و ناخواه مردم از کشاورزی دست کشیدند

و زمینها را بایر گذاردند بعلاوه شورش و انقلابات داخلی نیز در عراق و ایران و عدم رضایت مردم از اولیای امور موجب شد که امور کشاورزی مختل گردد و مردم برای زیان رساندن بدولت دست از زراعت بردارند و در نتیجه دهها و مزرعه ها را بی سرپرست رها کنند. اما در زمان عباسیان قضیه بر عکس شد. چون خلفای عباسی با اهل ذمه و موالی خوش رفتاری نمودند و جان آنانرا محفوظ و محترم داشتند و مردم هم روبرو دهها و مزرعه ها برگشته و بکشت و کار پرداختند.

خلفای دوره اول عباسی برای آبادی شهرها و دهها و حفظ جان و مال مردم مساعی زیاد بکار بردند، مثلاً منصور عمال ستمگر را بشدت تعقیب میکرد و اموال آنان را ضبط مینمود و آنرا در خزانه مخصوصی بنام بیت المال مظالم جمع میکرد و مأمورین مخصوصی با ظرافت روانه کرده بهای غله را تحقیق مینمود تا از آنرا به مردم تعدی نشود. همین قسم عملیات والین و قاضیان و مأمورین مالیات را با دقت رسیدگی میکرد و اگر بهای غلات کم و زیاد میشد علت را میپرسید و اگر در حکم قاضی تردید میشد قاضی را سرزنش نموده بازپرسی میکرد. هوای که در زمان بنی امیه مثل برده و زر خرید بودند، در زمان عباسیان جزء ارکان دولت در آمدند و مورد توجه خلفاء واقع گشتند بقسمی که هر خلیفه بخلیفه دیگر از آنان سفارش مینمودند بخصوص مردم خراسان که بیش از دیگران نوازش میشدند از آنجمله منصور به پسر خود مهدی در باره آنان چنین میگوید:

«باموالی خودت (ساده تر بگوئیم با بندگانت. مترجم) به نیکوئی رفتار کن،

مواظب حال آنان باش، آنها را مقرب درگاه بنما که اگر دشواری تو را پیش آید آنان کمک کار تو هستند، مخصوصاً مردم خراسان را سفارش میکنم، آنان یاران و شیعیان تو هستند و در راه استقرار دولت تو مال و جان فدا کردند.»

همینقسم مأمون و سایر خلفاء، باموالی بمهربانی رفتار مینمودند. منصور تمام اوقات خود را صرف اصلاح امور مملکت و ملت میکرد و با سایش و راهنمایی مردم توجه بسیار داشت و امور مالی را از حیث درآمد و هزینه از روی عدالت رسیدگی مینمود. همین منصور پسر خود درباره مدارا و عدالت چنین وصیت میکند:

« پسر جان پادشاه پرهیزگاری، ورعیت باطاعت، و مملکت بعدالت اصلاح میگردد »

دلایل بسیاری موجود است که پرهیزگاری و مهربانی و عدالت خواهی خلفای اول دوره عباسی را ثابت مینماید. مهدی مرتب در دیوان مظالم جلوس میکرد و بشکایت مردم از قضاة و مأمورین عالی رتبه دولت رسیدگی میکرد. داستانهای بسیاری از عدالت خواهی هرون زبانزد عام و خاص میباشد. و هر گاه که در حضور وی از بیداد بت میشد بگریه میافتاد، از آن جمله هنگامیکه ابوالعتاهیه را بزندان افکند کسی را مأمور نمود تا گفتار و کردار آن زندانی را برای وی گزارش داده و در ضمن گزارش روزانه بهرون گفته شد که ابوالعتاهیه این اشعار را روی دیوار زندان نگاشته است.

ترجمه اشعار:

« بخدا سوگند ستمگری زشت است و ستمگر همیشه سرزنش میشود »

« بزودی پیش کردگار خواهیم رفت و آنجا دادرسی میشود »

هرون که اینرا دانست بسیار گریست و زندانی را آزاد ساخت و از او حلالیت طلبید و هزار دینار باو بخشید. موقع دیگر هرون خوان پر نعمتی گسترده بزم مجملی آراست و بزرگان را به مهمانی فراخواند و ابوالعتاهیه را احضار کرد که در وصف آن بزم اشعاری بگوید ابوالعتاهیه این ابیات را سرود.

ترجمه اشعار:

« اکنون با پریرویان در کاخ های آراسته و پیراسته خوش باش »

« ولی آن هنگام که جان بسینه‌ات میرسد خواهی دانست که خود پسند بوده‌ای »
 هرون از شنیدن آن شعرها گریست. فضل بن یحیی با بوالعتاهیه برخاش نموده
 گفت خلیفه از تو خواسته که او را شادمان سازی ولی تو او را گریانیدی .
 هرون گفت: بوالعتاهیه را وا گذارید، او ما را در کوری و نایبانی دید و دلش نیامد
 که گمراهی ما افزون گردد .

این داستان و مانند آن از هرون و مأمون بسیار است ، بطوری که بیش از یک
 جلد کتاب خواهد شد و بنابراین در زیر سایه چنین حکمرانی البته امنیت برقرار
 میگردد و زراعت و تجارت پیش میرود و مردم در خدمتگذاری حکمرانان آماده هر گونه
 فداکاری میشوند و البته مملکت در پرتو عدالت آباد میگردد ، چه عدالت ترازوی
 آسمانی در میان مردم است. آبادی بدون عدالت میسر نمیشود و زندگی حقیقی بدون
 عدالت محقق نمیشود و برای پادشاهان، جز با عدالت عزت و جلال فراهم نمیاید. چون
 از قدیم گفته‌اند عظمت کشور بسته بر جلال است و پایداری امور رجال بر مال است، و مال
 با آبادی بدست میآید، و آبادی در پرتو عدالت انجام مییابد، پس عدل اساس ملک میباشد
 دیگر از موجبات آبادی کشور عباسی آنکه خلفای این سلسله علاوه بر اینکه خود
 سدها و پلها میساختند و نهر میساختند با تمام قوا میکوشیدند که خرابی‌های دوره
 بنی‌امیه را ترمیم نمایند. و وسایل آبیاری و زراعت را رواج دهند.

سواد . از آنرو مملکت رو با آبادی گذارد بخصوص قطعۀ سواد (عراق)
 که از نقاط حاصلخیز جهان میباشد و چنانکه در فصل مربوط بخراج گفتیم مالیات ارضی
 این کشور (عراق) صدویست میلیون درهم و یا قریب یک ثلث خراج تمام ممالک اسلامی
 بوده است ، در زمان سلاطین ساسانی نیز مالیات سواد بیش از نقاط دیگر بوده، چه
 که در زمان قباد بن فیروز صد و پنجاه میلیون درهم و در زمان انوشیروان دوست و هشتاد
 و هفت میلیون درهم و در زمان سایر پادشاهان ایران یکصد و بیست میلیون درهم از عراق
 مالیات میگرفتند. و علاوه بر آن سالی سه میلیون درهم بابت خرج مطبخ پادشاه ایران
 از آن کشور برداشت میشد و وصول این مالیاتهای سنگین بزور و ظلم و بیداد نبوده بلکه
 بواسطه اهتمام پادشاهان ایران و خلفای عباسی در ترویج زراعت و تسهیل و وسایل آبیاری

واجرای عدالت محصول زیاد میشده است. و چنانکه میدانیم کشور عراق مانند دره نیل (مصر) کشور پر نعمت و حاصلخیزی میباشد و در رود دجله و فرات زمین حاصلخیز عراق را از هر جهت مثل اراضی مصر بارور میسازند. با این فرق که چون جریان نیل از جنوب بشمال میباشد در ایام تابستان لبریز میگردد. برعکس دجله و فرات که از شمال بجنوب جاری است و در زمستان سرشار میشود و از آن رو همه ساله پلها و سد هایی که در نتیجه طغیان زمستانی رود خراب شده محتاج به تعمیر میگردد.

مجرای رود دجله در سابق غیر از مجرای امروز آن بوده است بقسمتی که از بغداد تا مداین بطرف جنوب میآمد و از آنجا بدیر عاقول و گرگرومازاریا میگذشت. سپس رو بمغرب گزارده بشکل عمودی تا قفم الصلح و واسط سیر میکرد و از آن پس در مرداب و باطلاق (بطایح) میافتاد، و فرات می پیوست و در نزدیکی بصره بدجله العوراء بر میخورد و کنار آبادان بخلیج فارس میریخت. اما اکنون ازمازاریا بمشرق میرود و بعد بجنوب شرقی بر میگردد. در آن ایام فرات دو شاخه داشت یکی از کنار کوفه و دیگری از شرق جاری بود و هر دو شاخه از بطایح عبور میکرد.

بطایح - زمین های گودی که در جنوب عراق میان بصره و کوفه زیر آب مانده بود بطایح یا مرداب خوانده میشد و علت پیدایش آن این بود که در زمان قباد پسر فیروز رود دجله در نزدیکی کسکر طغیان کرد و چون از پیشرفت آن جلوگیری نشد زمین های پهناوری را فرا گرفته زیر آب برد در زمان انوشیروان اقداماتی برای خشکانیدن آن اراضی بعمل آمد، اما پس از انوشیروان در ایام سلطنت پرویز در سال ششم هجری فرات و دجله هر دو طغیان کرد بقسمی که نظیر آن تا آن روز دیده نشده بود، پرویز برای بستن آب کوشش بسیار نمود و در یک روز بدستور وی چهل بند بر رودها بستند ولی از طغیان آب محافظت نتوانستند و مردابها بهمان حال ماند تا مسلمانان برای تسخیر عراق هجوم آوردند و ایرانیان مشغول جنگ شدند و طبعاً از ترمیم سدها غفلت کردند و البته از دهقانان نیز کاری بر نمیآمد و رفته رفته مردابها و باتلاقها فزونی یافت و با این همه خراج آن اراضی هنگفت بود، چه که عبدالله بن دراج در زمان معاویه پنج میلیون درهم از آنجا خراج گرفت، و در عین حال باصلاح آن توجهی نکرد در زمان حجاج (والی

عراق) نیز جنگ‌های داخلی مجالی برای اصلاح سدها و پل‌ها نگذارد و در نتیجه همان غفلت‌ها و طغیان‌های متوالی دجله و فرات، مرداب‌ها وسعت یافت سرانجام حجاج شرحی بولید بن عبدالملک نگاشته هزینه سدبندی و خشکانیدن باتلاقها را سه میلیون درهم بر آورد کرد، و این مبلغ در نظر ولید بسیار بود، اما مسلمه برادر ولید بوی گفت: من این پول را میدهم تا بوسیله مأمورین مورد اعتماد خلیفه مصرف گردد و در مقابل خراج زمین‌های پستی که آب در آن میماند برای من باشد.

ولید این پیشنهاد را پذیرفت و مسلمه مبلغ معهود را مصرف کرد و در نتیجه مزارع آبادی پدید آمد. مسلمه دو نهر در آن نواحی کنده آنرا سیبین نامید و کارگران و کشاورزان بسیاری را برای آبادی آن اراضی مأمور نمود و در اثر آن اقدامات سود بسیاری عاید وی و برادرش ولید گردید و پس از آنان هشام نیز استفاده زیادی از آن اراضی برد و تا اواخر بنی امیه آن بهره‌برداری ادامه داشت.

و همینکه خلافت به عباسیان رسید و سواد (عراق) مقرر خلافت گشت در احیای اراضی آن کشور همت گذاشتند و نهرها کنده و سدها بستند بقسمیکه سدها و نهرها و ترعه‌ها یکدیگر پیوسته میشد و میان دجله و فرات باغها و مزرعه‌ها چنان متصل شد که از یکدیگر متمایز نمیبود و نهرهای فرات آن نواحی را سیراب میساخت و سایر قسمتهای خاک عراق نیز بهمین وصف معمور و آباد گشت بطوریکه هیچ‌موقع آبادی و حاصل‌خیزی عراق مانند دوره عباسیان نشد چه حاصل‌خیزی زمین و علاقه خلفای عباسی به آبادی کشور و توجه مردم بامور زراعت دست بهم داده آنهمه نعمت و برکت را فراهم می‌ساخت.

خراسان . دیگر از ممالکی که مالیات زیاد میداد خراسان بود، چون سر زمین آن حاصلخیز و مردمش بواسطه همراهی با بنی عباس مورد توجه بودند لذا خراسان بسیار آباد گردید و خراج آن به چهل میلیون درهم رسید که بضمیمه خراج عراق نصف کل مالیات ممالک اسلامی میشد. در زمان عباسیان سه کشور بیش از سایر ممالک اسلامی مورد توجه بود اول عراق که خاک حاصلخیز پر نعمت و برکتی داشت. دوم خراسان که هم خاکش حاصلخیز و هم مردمانش سلحشور و پشتیبان بنی عباس

بودند . سوم حجاز که از نظر احترام مذهبی و تشییت بیعت برای خلفاء مهم بود . اما آبادی خراسان در آن موقع طوری بود که از همه ممالک اسلام برتر مینمود . مقدسی در ضمن گفتگو از شهرهای عراق شرح مبسوطی از آبادی آن بلاد میگوید ولی همینکه بخراسان میرسد اظهار نظر میکند : «گرچه شهرهای عراق بسیار آباد و پر جمعیت است اما ده‌های خراسان خیلی مجلل تر از همین شهرهای پسر نعمت عراق میباشد و بسیاری از خلفای عباسی اصلاً خراسان را مملکت میدانستند.»

بلاد ماوراءالنهر نیز جزء خراسان محسوب میشود و آن محل نیز پر نعمت و برکت است ابن حوقل میگوید : «در هیچ یک از کشورهای اسلامی جائی نیکوتر و دلکش‌تر از بیرون شهر بخارا ندیده‌ام همینکه بر فراز کهن دژ (قهندز) بخارا میروی تا چشم کار میکند بساط زمردین گسترده است . آسمان مانند گنبد نیلگون بر روی آن درختها و گل‌ها و گیاهها پرتو افکنده است و از میان آن همه سبزی و خرمی کاخهای مجلل مثل ستاره‌های آسمانی و باکلاه خودهای بولادین بر روی سطح آبگون نور میفشانند.»

ابن حوقل میگوید : با صفا ترین گردشگاههای روی زمین سند و سمرقند و رود ابله و غوطه دمشق است.

والبته بسیاری از ممالک اسلامی در آن عصر درخشان مانند خراسان و ماوراءالنهر و غیره خرم و سرسبز و آباد بوده است (بنقشه کتابهای اسلامی ضمیمه این کتاب مراجعه شود) .

مصر . این آبادی و شادابی شهرها و دهها طبعاً بواسطه عدالت گستری خلفای عباسی بود چه اگر فرمانروایان عدالت پیشه و مهربان باشند آبادی و شادابی کشور تعجب ندارد زیرا مردم اگر امنیت و آزادی داشته باشند و حقوق حقه آنان تأمین بشود خود بخود باصلاح آبادی میپردازند و همینکه مملکت آباد شد خراج افزون میگردد مثلاً کشور مصر بنا بر گفته مورخین عرب در دوره مسلمانان بیست میلیون جمعیت داشته است . اما مردم امروز این عدد را مبالغه میدانند و در اوایل قرن گذشته هرگز این عدد را باور نمیتوانستند مثلاً کتر کلوت یک میگوید بیست میلیون جمعیت برای کشوری مثل مصر دور از احتمال است چه که زمین مصر توانائی اداره کردن بیش از

یک سوم آن عدد را ندارد، این گفته دکتر کلوت بیک (در قرن نوزدهم میلادی) بود ولی حالاً جمعیت مصر از ده میلیون هم تجاوز کرده است (۱) و مرتب رو با افزایش می‌رود ولی چون کتاب دکتر کلوت بیک در سال ۱۸۴۰ نوشته شده و در آن موقع جمعیت مصر سه میلیون بوده است لذا تصویر بیست میلیون نفوس زیادتر از رقم معمول مینموده است و سه میلیون جمعیت زمان محمد علی پاشا که نسبت به جمعیت زمان مماليك (۲) بسیار بوده در نظر دکتر کلوت بیک عادی می‌آمده است.

اما در زمان مماليك جمعیت مصر از دو میلیون تجاوز نمی‌کرده شاید زمین‌های زراعتی یک میلیون فدان و یا یک میلیون و کسری بیش نبود، زیرا فرمانروایان مماليك مردم ستم پیشه‌ای بودند و همینکه آنها رفتند و محمد علی آمد و آن جور و پیداد بر طرف شد و جانشین‌های محمد علی مانند خود او بر قاعه حال مردم اهتمام ورزیدند مساحت اراضی مزروع تا پنج میلیون و نیم فدان (۳) رسید و عده نفوس از ده میلیون بالا زده طبعاً میزان درآمد دولت فزونی یافت چه که عدالت آبادی می‌آورد و آبادی بر ثروت می‌افزاید و اگر میزان افزایش و کسری مالیات مصر را در نظر بگیریم این قاعده کلی بخوبی ثابت می‌شود که چگونه در دوره پیداد گری درآمد دولت کم بوده و عکس آن عکس شده است.

مثلاً در دوره خلفای راشدین بیش از هر موقع دیگر مالیات مصر افزایش داشته است زیرا عمر و عاص در زمان عمر دوازده میلیون دینار از مصر مالیات میگرفت و مساحت اراضی زراعتی به سی میلیون فدان می‌رسید و عبدالله سعد در زمان عثمان چهارده میلیون دینار (قدری بزور و اجبار) از مصر مالیات گرفت اما همینکه نوبت به بنی امیه

- ۱- بموجب سالنامه اخیر جمعیت آن کشور بیش از ۲۱ یک میلیون بوده است. مترجم
- ۲- مملوك یعنی زر خرید و جمع آن مماليك است. نجم الدین ایوبی از پادشاهان مصر معمولاً غلامانی می‌خرید و در جزیره الروضه کناری نیل گرد می‌آورد و از آن‌ها را مماليك بحری (زر خریدان دریائی) میگفتند و بالاخره یکی از آن مماليك برای او بیان تاخته خود فرمانروای مصر شد و یکی از پادشاهان مماليك بحری بنام منصور قلاوون مثل نجم الدین ایوبی گارد مخصوصی از زر خریدان خود تهیه کرد و آن‌ها را محافظ قلمه‌ها و برج‌ها قرار داد و از آن‌ها اینست از غلامان به مماليك برجیه مشهور شدند و سر انجام مماليك برجیه بر مماليك بحری شورش کردند و قریب دو قرن فرمانروای مصر شدند برای اطلاع بیشتر بکتاب تاریخ مصر تألیف مترجم مراجعه شود. مترجم
- ۳- یک فدان مساوی با ۲۴۰۰ متر مربع میباشد. مترجم

رسید جور و بیداد پیش آمد مالیات مصر سه میلیون دینار رسید و فقط ابن حبهاب در زمان هشام بن عبدالملک آنرا به چهار میلیون دینار بالا برد.

و چون کشور مصر در زمان عباسیان از مرکز خلافت دور افتاده و کسی بآن توجه نداشت میزان مالیات مثل زمان بنی امیه باقی ماند و همینکه دولت عباسی رو بانحطاط گذارد، میزان مالیات مصر بیش از پیش کسری یافت و در پاره‌ای سالها (قرن سوم هجری) به هشتصد هزار دینار تنزل یافت و در زمان ابن طولون که با بادی کشور توجه میکرد ناگهان به چهار میلیون دینار تجاوز کرد، در صورتیکه آن موقع نرخ گندم بسیار ارزان بود (ده اردب یک دینار) پس از سپری شدن دوران ابن طولون و اخشیدیه در سال ۳۶۳ در دوره حکومت فاطمیان جوهر سردار خلفای فاطمی مالیات مصر به هفت میلیون دینار بالغ شد اما باید گفت که جوهر بوسیله بالا بردن میزان مالیات آن مبلغ را بدست آورد، از آن پس باز مالیات مصر بواسطه آمدن و رفتن پاره‌ای دولت‌ها بالا و پائین رفت (شرح آن در اینجا مورد ندارد).

در زمان ممالیک یعنی در اواخر قرن ۱۸ میلادی میزان مالیات مصر با وجود سخت گیری آنان در وصول خراج به منتهی درجه تنزل رسید.

و اینک بودجه حکومت مصر در سال ۱۲۱۳ هجری (۱۷۹۸ میلادی)

درآمد

	میده یا نصف
مالیات ده‌ها و موقوفه‌ها .	۸۰/۴۶۰/۰۶۸
مالیات بر واردات .	۱۰/۸۷۰/۷۷۳
مالیات خوراکی و مصنوعات	۲۲/۸۱۱/۸۰۵
مالیات سرانه .	۲۵/۰۰۹/۰۸۱

جمع کل ۱۱۶/۵۶۱/۷۲۷

هزینه

		میده یا نصف
حقوق افسران ارشد .		۲/۹۳۹/۲۴۷
حقوق سپاهیان .		۲۹/۸۷۲/۶۵۷
مخارج متفرقه .		۲/۶۵۳/۵۸۵
مستمری ملایان و هزینه تعلیمات و اوقاف		۸/۴۳۸/۹۹۴
مستمری مبلغین و وعاظ و هزینه مسجد ها و مانند آن .		۱۳/۸۹۲/۱۳۹
هزینه حج .		۴۲/۰۷۰/۶۵۴
		جمع کل ۹۹/۸۶۸/۴۷۶
جمع کل در آمد	۱۱۶/۶۵۱/۷۴۷	
جمع کل هزینه	۹۹/۸۶۸/۴۷۶	
باقی مانده	۱۶/۷۸۳/۴۵۱	

این مبلغ باقی مانده با اصطلاح آنروز خزانه نام داشت که همه ساله باستانبول حمل میشد اما پس از چندی حکومت مصر با دولت عثمانی در افتاد و تصمیم گرفت که اصلا پولی باستانبول نفرستد و پس از شور و مشورت مقرر داشتند که بیش از نیم آن مبلغ باقی مانده را بدین شرح در خود مصر خرج کنند.

		میده یا نصف
مرمت قلعه های قاهره .		۳/۰۰۰/۰۰۰
مرمت سایر ابنیه مصر .		۱/۵۰۰/۰۰۰
هزینه جلوگیری از سیل و باز کردن سد .		۲/۰۰۰/۰۰۰
هزینه های دیگر با تصویب شهرداری .		۲/۷۸۳/۴۵۱
		جمع کل ۹/۴۸۳/۴۵۱

و همینکه این نه میلیون و کسری را از باقی مانده منها کنیم هفت میلیون و نیم میده بقیه را باسلامبول میفرستادند .
و در هر حال آنچه برای ما مهم است آنست که جمع کل در آمد مصر در زمان

ممالیک ۱۶/۶۵۱/۷۲۷ نصف یا میده بوده و میده در آن ایام چارمست (تقریباً) میشده یعنی هر ۲۸ نصف مساوی با یک فرانک بوده است و از آن رو درآمد مصر در آن سالها سالیانه به ۴/۱۵۰/۰۰۰ فرانک بالغ میشده است با این فرق که بهای پول در آن ایام با بهای پول این ایام تفاوت داشته است و این موضوع از نرخ خوراکی ها بخوبی آشکار میگردد مثلاً بهای یک رطل گوشت آن موقع هفت نصف و بهای یک اردب گندم ۲۴۰ نصف بوده و اکنون میده یا نصف مساوی با نیم فروش مصری میباشد (تقریباً) و در آن صورت درآمد مصر در زمان ممالیک ۵۸ میلیون فروش یا ۵۸۰ هزار لیره میبوده است. ولی همینکه خاندان خدیوی فرمانروا گشتند و با بادی مصر کوشیدند رفته رفته مالیات فزونی یافت تا اینکه در سال ۱۱/۸۵۰/۰۰۰ لیره یا بیش از بیست برابر مالیات زمان ممالیک بوده است در صورتی که خاک مصر همان خاک، و رود نیل همان نیل و آب و هوا به همان وضع سابق میباشد و فقط عدالت و امنیت فرق کرده که در پرتو آن آبادی و ثروت اضافه میشده است، این سنت دیرین الهی است که هیچگاه تغییر نمی یابد

در زمان عباسیان خراج (مالیات ارضی) مختلف بود در بعضی جاها از روی مساحت و در پارهای نقاط دیگر از روی محصول میگرفتند. در صورت اول چه زمین زراعت میشد و چه

۳- مالیاتها سنگین

بوده است

نمیشد پرداخت مالیات حتمی بود. و در شق دوم وصول مالیات موکول بزراعت بود و هر يك از این دو نوع مالیات مراتب و درجاتی داشت که بزودی تفصیل آن بیاید.

اینک چون سواد (عراق) مهمترین کشورهای عباسی محسوب میگشت لذا ابتداء از خراج آن کشور صحبت میداریم:

سواد. هنگامیکه مسلمانان سواد را گشودند مالیات آنجا از روی مساحت

پرداخت میشد یعنی از هر جریب زمین دولت ایران يك قفیز و يك درهم مالیات میگرفت جریب عبارت از مساحت شصت ذرع در شصت ذرع و یا ۳/۶۰۰ ذرع مربع بوده است و اما قفیز از حیث مساحت يك دهم جریب و از حیث وزن هشت رطل و از حیث قیمت سه درهم محسوب میشد، مالیات قفیز در زمان جاهلیت نیز معمول بوده چنانکه زهیر بن

ترجمه شعر: «دردهای عراق از قفیز و درهم برای شما چیزهایی میگیرند که

برای اهالی آنجا مقدور نیست.

حال اگر قفیز را سه درهم حساب کنیم جریب سی درهم میشود و ایرانیان از هر جریبی چهار درهم یعنی $\frac{۱}{۴}$ ۱۳ درصد مالیات می گرفتند که البته چندان سنگین نیست منتهی زمین هائی هم که زراعت نمیشده است بهمان میزان مالیات می برداخته است. همینکه در زمان عمر سواد فتح شد و مسلمانان طرز مالیات گرفتن ایران را دانستند بدستور عمر زمین های مزروع را مساحت کردند و برای هر نوع محصول يك نوع مالیات مقرر داشتند. و مالیات گندم مانند زمان ایرانیان بهمان يك قفیز و يك درهم و یا چهار درهم باقی ماند و مالیات تا کستان از قرادهر جریبی ده درهم و نخلستان هشت درهم و نی شکرشش درهم و یونجه پنج درهم وجود و درهم و هر انسان ۱۲ یا ۲۴ یا ۴۸ درهم (باستثنای زنان و کودکان) تعیین شد. و جمع کل مالیات سواد در آن دوره صد و بیست میلیون درهم میشد باعتبار اینکه اراضی مزروع آنجا را سی میلیون جریب تخمین میزدند، در زمان خلفای راشدین زمین های سواد بسیار آباد شد ولی پس از قتل عثمان مسلمانان بچنگهای داخلی مشغول شدند و تا زمان معاویه و حجاج چنانکه سابق نیز اشاره کردیم بامور کشاورزی عراق توجهی نمیشد و با این حال حجاج مالیات عراق را بهمان میزان مالیات زمان عمر میگرفت و البته بمردم اجحاف و تعدی میکرد یعنی اگر زمینی در ظرف سال زراعت نمیشد مالیات آن معاف نمیکشت و اگر صاحب زمین نمیتوانست آن مالیات را بدهد قرض دولتی بگردن وی میماند و سال بسال سنگین تر میشد از آن بیشتر روستائیان از ده خود میگریختند و املاک را بایر میگذارند تا آنکه ناچار مردم بوسیله الجاء خود را از شر مأمورین دولت نجات میدادند و تفصیل الجاء را قبلاً شرح دادیم دیگر از موجبات خرابی عراق آنکه مردم آنجا از بنی امیه تنفر داشتند چون خلفای اموی آنان (مردم غیر عرب) را حقیر و ذلیل میداشتند و همین پیش آمدهای نا مطلوب سبب ویرانی کشور عراق و اختلال امور زراعت آنجا شد. ولی همینکه در سال ۱۳۲ عباسیان بخلافت رسیدند توجه خاصی نسبت بعراق و آبادی عراق مبذول داشتند و نخستین خلیفه عباسی که با آبادی عراق همت گماشت منصور بود چه که وی طرز مالیات گیری مساحی را ظالمانه دید و مالیات جو و گندم را (بیشتر

محصول عراق جو و گندم است) بطرز مقاسمه (مالیات از نوع محصول بمیزان معین گرفته میشد و اگر زمین زراعت نمیشد از مالیات معاف میگشت) تعیین نمود و فقط مالیات قسمت مختصر باقی مانده (حبوبات و خرما و میوه) محصول را بطرز مساحی معین کرد. و گرچه میزان مالیات اخیر معلوم نیست اما همینقدر مسلم است که مهدی پسر منصور (۱۵۶-۱۶۹) برای دریافت مالیات مقاسمه درجات ذیل را تعیین کرد:

۱- زمینهای دیمی نصف محصول ۲- زمینهایی که با دلو آبیاری میشوند یک سوم و با چرخ یک چهارم محصول را مالیات بدهند. و اما مالیات خرما و انگور و سایر میوهها از روی نزدیکی باغ بیزار و بهای آن میوه ها کم و زیاد میگشت و این ترتیب با اشاره معاویه بن یسار و زیر مهدی انجام یافت و در نتیجه نصف محصولات عراق بابت مالیات عاید دولت شد، چه که بیشتر محصول عراق جو و گندم بود و آن هم بطریق دیمی بدست میآمد و با اینکه چنین مالیاتی بسیار سنگین بنظر میرسد، اما در آن زمان مردم عراق با شادی فراوان آن را استقبال کردند، زیرا از امویان جور زیاد تحمل کرده بودند.

ظاهراً رشید و مهدی ده یک نیز بر آن مقدار افزودند. مالیات عراق شش درهم یعنی نصف بعلاوه یک شد و تا سال ۱۹۲ بدین ترتیب ماند و در آن سال رشید عشر را بخشوده همان نصف و نیمه را تثبیت کرد و در سال ۲۰۴ مأمون مالیات نصف را به بیست درصد تقلیل داد و در سال ۲۱۰ که به ری آمد چندی در آنجا ماند و مالیات آنجا را نیز سبک کرد و همینکه این خبر بمردم قم رسید آنها هم تقاضای تخفیف نمودند ولی مأمون تقاضای آنان را نپذیرفت، مردم قم بشورش برخاستند و مأمون آنان را سرکوب ساخته بجای دو میلیون درهم مالیات معمول سالانه هفت میلیون درهم از مردم قم مالیات گرفت.

بنابر آنچه گفته شد مالیات عراق نسبت با آنچه در زمان خلفای راشدین از روی مساحی گرفته میشد. بسی سنگین مینمود چه که در زمان راشدین از هر جریب زمین چهار درهم مالیات میگرفتند و نسبت جریب به فدان مانند نسبت ۴/۲۰ تقسیم بر ۱/۲۶

یا نسبت $\frac{۱}{۳۳۳}$ تقسیم بر ۱۰۰ میباشد، باین معنی که اگر مالیات جریب چهار درهم بوده مالیات فدان $\frac{۱}{۱۳}$ درهم میشده است. و این میزان مالیات نسبت با اراضی مزروع بسیار کم است اما اگر اراضی بایر را نیز بر آن بیفزائیم میزان مالیات مزبور سنگین میشود و شاید معدل هر دو نوع مالیات یکی بشود و دلیل این مطلب آنکه تفاوت مقدار و مبلغ مالیات زمان خلفای راشدین (از روی مساحت) و بعد از آنکه بطور مقاسمه بوده چندان زیاد نمیشد، ولی اگر مالیات آنروز عراق را با میزان مالیات امروز مقایسه کنیم میزان آنروز سنگین بوده است، زیرا حداکثر مالیات ارضی عراق فعلاً پنج یک است و قسمت عمده ای از اراضی مزروع بطورده یک مالیات میدهد. در لبنان اگر چه ظاهر از روی مساحت مالیات میگیرند ولی اساس آن بر مقاسمه است چه هر چند در لبنان اراضی مساحت شده ولی با رعایت نوع محصول مالیات فرق کرده است. مثلاً زمینی که محصول آن یک کیل زیتون یا یک بار برگ توت یا یک مد گندم تخم افشان دارد و یا بهای آن زمین ۳۶۰ فروش باشد آنرا سهم میخوانند و مالیات هر سهمی بیست فروش و $\frac{۱}{۴}$ فروش و یا شش درصد میگردد.

مصر - پس از عراق از نظر حاصل خیزی مصر درجه دوم است و خراج آنرا از روی مساحت تعیین میکردند باین قسم: که زمین ها را بقدان تقسیم مینمودند و هر فدان را چهار صد قصبه میدانستند و قصبه عبارت از پنج ذرع نجاری و یا شش ذرع و $\frac{۲}{۳}$ ذرع بزازی بوده است و در اصطلاح حکومتی امروزه مصر (زمان جرجی زیدان ۱۹۰۲ میلادی) فدان $\frac{۱}{۳۳۳}$ قصبه است. قصبه ۳۵۵ متر مربع میباشد و چون آنرا بمتر مربع تبدیل کنیم هر فدان $\frac{۴}{۲۰۰}$ متر مربع میشود و گاه از این مقدار کمتری زیاد تر میگردد و سابقاً گفتیم که در دوره امویان بمردم مصر جور و ظلم بسیار میشد و در نتیجه ده ها مزرعه ها بحال خرابی افتاده بود، مشهورترین والیان ستمگر بنی امیه عبدالله بن حب حاب است که در ایام هشام بن عبدالملک والی مصر شد و بر هر دینار جزیه قبطیان یک قیراط افزوده بطوری که اشاره شد در اثر این تعدی قبطیان شورش کردند و فتنه عظیمی برپا شد. اگر چه در زمان بنی امیه بواسطه ظلم و تعدی والیان بنی امیه همه روزه مردم شورش میکردند و همینکه عباسیان بخلافت رسیدند آبادیهای مصر

بیشتر ویرانه و بایر بود ولی عمال بنی عباس در مصر نتوانستند مثل عمال عراق نسبت به مردم خوش رفتار و مهربان باشند و رعایت حال آنانرا بنمایند چه که مصر از مرکز خلافت (بغداد) دور افتاده بود و مأمورین دولتی هر چه میخواستند از مردم مصر میگرفتند و بر آنان تحمیل مینمودند، چنانکه موسی بن علی در سال ۱۵۶ هجری در اواخر ایام منصور و موسی بن صعب در زمان مهدی مالیات مصر را فرودند و برای دریافت آن همه نوع مردم تعدی کردند و شاید این اقدام بدستور خود خلیفه بود چه که وی آنطور که گفتیم مالیات مردم عراق را افزود.

اما در زمان مأمون یعنی در روزگار عظمت و ثروت مندی دولت اسلام مالیات مصر از قرار هرفدانی ده دینار تعیین شد. و هر گاه ارزش پول امروز و آنروز را در نظر بگیریم مالیات آنروز نسبت به مالیات امروز سنگین بوده است، چه مالیاتی که اکنون از زمین های مالیات بده (اکثر اراضی مصر مالیات بده است.) مصر گرفته میشود از روی حاصل خیزی زمین تعیین میگردد و اگر چه اسماً اساس آن بر مساحتی است ولی معنأ از روی مقاسمه انجام مییابد زیرا کشور مصر از نظر حاصل خیزی بیچندین ناحیه تقسیم شده و مالیات آن با رعایت حاصل خیزی کم و بیش میگردد و مالیات حاصلخیزترین اراضی از هرفدان ۱۸۰ قروش بیشتر نمیشود در صورتیکه این قبیل اراضی در مصر آنقدرها زیاد نیست و بقیه اراضی (اکثریت اراضی) از ده قروش تا صد قروش مالیات میپردازد. هر گاه میزان محصول زمین را مقیاس قرار دهیم معلوم میگردد که مالیات بیش از یک پنجم نخواهد بود چه فدانی که صد قروش مالیات آن باشد به شش لیره یا پنج لیره اجاره میرود.

و اگر معدل مالیات مصر را بحساب بیاوریم برای هرفدان بیش از ۸۵ قروش نخواهد شد زیرا در کشور مصر پنج میلیون ونیم فدان مزروع میباشد و مالیات سال گذشته آن اراضی ۴/۶۵۲/۵۷۰ لیره شد که بهرفدان ۸۵ قروش تعلق میگیرد و در جای دیگر این کتاب اشاره شد که یک قروش امروز مساوی با یک سوم قروش ایام مأمون میباشد و از آنروز و دینار مالیات زمان مأمون برابر با شش دینار امروز است که مساوی با سه لیره میشود و با آن حساب میزان مالیات مصر در زمان مأمون سه برابر امروز بوده است.

ظاهر آیس از مأمون مالیات مصر افزایش یافت و همینکه در اواسط قرن چهارم هجری جوهر سردار خلفای فاطمی کشور مصر را گشود میزان مالیات سه دینار و نیم بود و جوهر آنرا به هفت دینار بالا برد و البته آن مالیات بسیار سنگین بوده است .

مقدسی در کتاب احسن التقاسیم مینویسد : « اساساً در مصر مالیات نبوده است بلکه کشاورز زمین را از دولت میگیرد و در آن زراعت میکند و همینکه محصول بدست آمد آنرا خرمن کرده مهر میزند سپس نماینده دولت میآید و کرایه زمین را از برزگر دریافت داشته باقی را بخود او میدهد » اما باید دانست که این نوع رفتار مربوط به زمینهایی بوده که مالک معین نداشته است و کشاورزان آنرا از دولت میگرفتند و صاحبان آن اراضی که از مأمورین دولت روم بوده اند یا کشته و یا فراری شده بودند و زمین آنان بتصرف بیت المال در آمده بوده و در نتیجه والی (حاکم شرع آنروز) آن اراضی دولتی را کرایه میداد و مال الاجاره آنرا جنس یا نقد میگرفت :

سایر ممالک . در پاره ای از ممالک اسلامی از روی مساحی و در پاره دیگر از روی مقاسمه و یا طور دیگر مالیات میگرفتند . مثلاً در نقاط مختلف مملکت فارس سه نوع مالیات دریافت میشد یکی مساحی و دیگری مقاسمه و سومی بطور مقاطعه . اما قسمت عمده اراضی فارس از روی مساحی مالیات میداد و میزان مالیات در شهرهای مختلف فارس تغییر میکرد ، مثلاً سنگین ترین مالیاتها را از شهر شیراز میگرفتند بدین ترتیب .

۱ - جو و گندم هر جریبی ۱۹۰ درهم ۲ - بوستان کاری $\frac{1}{4}$ ۲۳۷ درهم ۳ - پنبه ۲۵۶ درهم و چهار دانگ ۴ - تاک ۱۴۲۵ درهم - و اگر چه جریب فارس هفتاد ذرع و هر ذرعی نه قصبه بوده و دو برابر جریب عراق میشده ، معذک میزان مالیات آن بسیار سنگین بوده است . بهر حال این مالیات در اواسط قرن چهارم از شیراز گرفته میشد ولی میزان مالیات آن در زمان مأمون بدست نیامده است .

مالیات دیار مغرب (شمال آفریقا) نیز در همین حدودها سنگین بوده است ، مثلاً عباس بن ابراهیم بن اغلب از هرفدان ۱۸ دینار مالیات میگرفت ولی تصور نمیرود که پرداخت چنین مالیاتی مدتی طول کشیده است بلکه بمقتضیات اوضاع تغییر کرده است .

خلاصه کلام آنکه در زمان عباسیان مالیات سنگین بوده اما مقتضیات زمان و اوضاع اجتماعی طوری بوده که سنگینی آن احساس نمیشد و مردم هم چندان شکایتی از سنگینی آن نداشتند و چه بسا که یک عامل در ظرف چند روزه با سانی چندین میلیون (درهم) مالیات جمع میکرد، چنانکه معتصم این عمل را انجام داد و هنگامی که مأمون از دمشق میگذشت نزد برادر خود معتصم (والی شام) از بی پولی شکایت کرد معتصم گفت تا هفته آینده هر چه بخواهی پول تقدیم میدارم - و بعد از چند روز سی میلیون درهم برای مأمون گرد آورد و مأمون هم همانطور که ایستاده بود قسمت عمده آن پولها را تقسیم کرد.

مالیات‌های متنوعه اینک برای تکمیل موضوع مختصری هم از مالیات‌های متنوعه دوره عباسی میگوئیم و آن عبارت بود از:

۱- ده بک کشتی - میزان و مشخصات این مالیات معلوم نیست همینقدر معین است که مبالغ بسیاری از این بابت عاید میشده است. زیرا بازرگانی عراق تا سایر کشورهای جهان حتی هندوچین دامنه داشته است و کشتی‌های بسیار با کالاهای گرانبها بممالک اسلامی آمد و شد میکردند.

چنانکه در پاره‌ای از کتب تاریخی نام بازرگانی را بنام حسن بن عباسی از اهالی بصره ذکر میکنند که کشتی‌های متعددی داشته و کشتیهایش بدورترین نقاط هندوچین میرفته است. و سالی صد هزار دینار (در قرن ششم هجری) مالیات کشتی میداده است. حال اگر بک بازرگان در بصره صد هزار دینار مالیات کشتی میداده سایر بازرگانان در سایر بنادر اسلامی البته مبالغ گزافی از آن بابت میپرداخته‌اند چنانکه مالیات کشتی در بندر عدن در قرن چهارم سالی دویست هزار دینار و در قرن ششم صد و چهارده هزار دینار بوده است. ظاهراً در زمان عباسیان این مالیات آنقدرها زیاد نبوده و تدریجاً افزایش یافته است چه که در صورت حساب‌علی بن عیسی (سال ۳۰۶ هجری) که برای مقتدر خلیفه عباسی تنظیم شده مالیات کشتیهای بصره فقط ۲۲/۵۷۵ دینار است، در صورتیکه دویست سال بعد بیک تاجر اهل بصره چند برابر آن مبلغ مالیات کشتی میداده است.

۲- پنج يك معدنها . در آن ایام معدنها را دو قسمت میکردند روی زمینی

مانند معدن نمك ، سرمه ، قیر ، نفت ، معدن زیر زمینی مثل فیروزه ، طلا ، نقره ، مس و مانند آن که استخراج مواد چنان معدنی بعملیات فوق العاده احتیاج داشته است عمال اسلامی برای معادن قسمت اول هیچ نوع مالیاتی نمیخواستند و آنرا مانند آب و هوا جزء اموال عمومی مردم میدانستند و هر کس میتوانست با آزادی از معادن قسمت اول بهره بردارد اما از معادن قسمت دوم که بهره برداری از آن مستلزم انجام عملیاتی بود پنج يك محصول را دولت میگرفت و چون امپراتوری عباسی وسعت بسیار داشت معادن متنوع در نقاط مختلف مملکت مثل معدن طلا و نقره و مس و زئبق و فیروزه و زبرجد و غیره یافت میشد و اینك نمونه‌ای از آن معادن و نواحی آن :

در خراسان طلا و نقره و فیروزه و سنگ مرمر و گل مهر و موم و نشادر و زئبق وجود داشت در ماوراءالنهر معادن طلا و نقره و زئبقی بوده که مانند آن از حیث فراوانی مواد در جای دیگر یافت نمیشد ، در فارس معدن نقره و آهن و سرب و گوگرد و نفت و مس و زئبق و در مغرب اصفهان معدن سرمه بود . در کرمان شهری بنام دمندان بوده که معدنهای طلا و نقره و آهن و مس و نوشادر آن مشهور بوده است و همین قسم در سواحل افریقای شمالی نقاط معینی برای صید مرجان بود که از یکی از نقاط آن پنجاه کرجی مرجان حمل میشد ، و در هر کرجی بیست رطل مرجان بود : در سوریه و در نزدیکی بیروت و مقرة الجیدة در حلب و کوههای سرخ در اطراف شام معدنهای آهن فراوان بود ، در فلسطین معدن سنگ مرمر و در اغوار معدن گوگرد و در صعيد مصر معدن سنگ شب (۱) موجود بود اعراب آن سنگها را از معدن بسواحل اخمیم و اسیوط و بهنسا میبردند و از آنجا در موقع سرشاری رود نیل باسکندریه حمل میکردند و به بازرگانان رومی از قرار هر قنطاری چهار تاشش دینار میفروختند و میزان محصول آن معدن تا سالی دوازده هزار قنطار میرسید (۲).

در صحرای غربی دره نیل و در نقاط دیگر مصر نیترون یافت میشد و سالی ده

۱- نوعی سنگ معدنی سرخ و سفید است مترجم .

۲- هر قنطاری ۴۵ کیلو گرام است (تقریباً) . مترجم .

هزار قنطار از آن معادن استخراج میشد و گاه هم آن معادن را از قرارسالی ۱۵/۵۰۰ دینار اجاره میدادند. در نوبه موازی اصوان معدن طلای مهمی بوده است، این حوقل در آن باب چنین میگوید «معدن از اراضی مصر نیست و در زمین های بجده شروع شده تا عیناب میرسد، خود معدن زمین همواری است که پست و بلندی ندارد و سطح آن نرم و شن زار است و تجار در محلی موسوم به (علاقی) واقع در آن نواحی جمع میشوند.

در بلاد مغرب در نزدیکی سبلماسه و هم چنین در ماورای آن بلاد در سودان معدنهای طلا و نقره بوده است. و در صعید مصر و در جنوب دره نیل (اینطور؟) و در صحراهای دور از آبادی معدن زبرجد وجود داشته است.

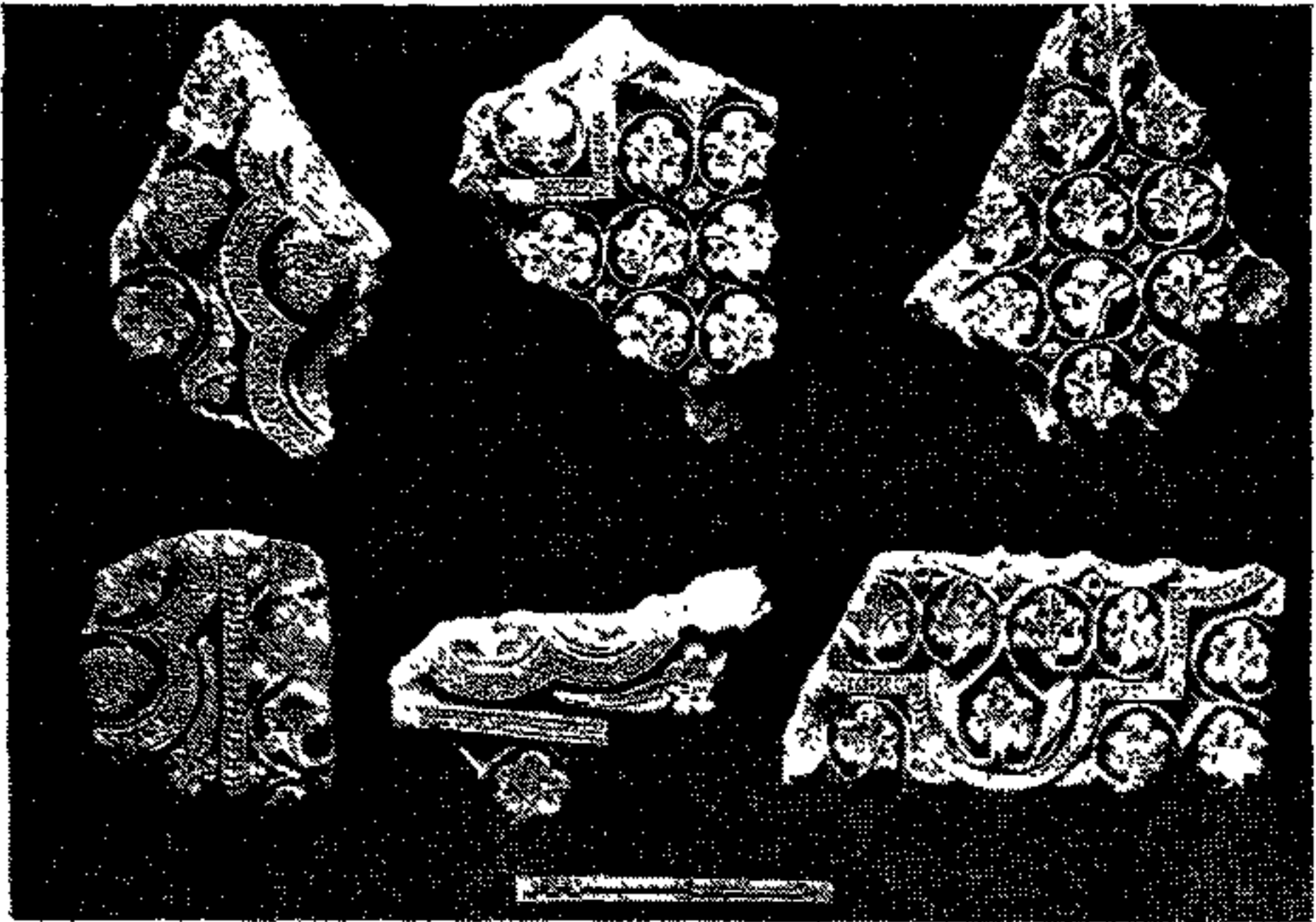
در بحرین مروارید صید میشده در صنعاء معدن عقیق بوده و میان ینبع و مروه معدن طلا یافت میشده و در کرانه عدن و مکه عنبر زیاد بوده است.

اینها نمونه ای بود از معدنهای ممالک اسلامی در دوره عباسیان که از آن نقاط مالیات پنج يك گرفته میشد و به بیت المال میرسید گاه هم این معدنها را کرایه میدادند و یا بمقاطع و اگذار مینمودند و پول زیادی میگرفتند از آن جمله در اواسط قرن چهارم هجری معادن فیروزه نیشابور را بمبلغ ۷۵۸/۷۲۰ درهم اجاره داده بودند

۳- **جزیه و زکوة**. در آغاز پیدایش اسلام مبلغ جزیه زیاد بود ولی تدریجا کم شد. زکوة نیز عایدی مهمی بود اما رفته، رفته از اهمیت افتاد و تفصیل آن خواهد آمد:

۴- **حقوق گمرک داخلی و خارجی**. در آن ایام چیزی شبیه بحقوق گمرکی از کالاهای رسیده میگرفتند خواه از دریا و خواه از خشکی آمده بود، این حقوق گمرکی از انواع محصولات، مصنوعات، منسوجات و حتی از بردگان نیز دریافت میشده است و عایدی زیادی از آن راه بدست میآمد ولی مقدار مشخص آن فعلا معلوم نیست و آنچه مسلم است آنست که بحسب زمان و مکان تغییر میکرده و شاید در يك شهر در مواقع مختلف بچند نوع پرداخت میشده است. و البته در هر شهری جریان خاصی داشته است و اینك برای نمونه گفته شمس الدین مقدسی را در باره حقوق گمرکی

شهرهای تنیس و دمياط (مصر) ذکر میکنیم که مقدسی خود در اواسط قرن چهارم هجری شاهد آن جریان بوده است. مقدسی می



ع- نمونه ای از کج کاری قرن سوم هجری که در خرابه یکی از کاخهای عباسی در سامره بدست آمده

حقوق گمرکی بخصوص در کرانه نیل و تنیس و دمياط سنگین است و طرز فروش پارچه ها چنین است که: ابتدا مهر سلطان بآن پارچه میخورد و دلالاتی که فروش آنرا بامر سلطان عهده دار شده اند آنرا میفروشند و بهای آنرا در دفتر ثبت میکنند از آن پس پارچه را پیش کسی میبرند که آنرا تا میکند بعد شخص دیگری آنرا تسمه پیچ مینماید و سومی آنرا در سبد مینهد و چهارمی بار میگیرد و پنجمی تا کنار دریا میبرد و تمام این مأمورین نام و نشان خود را روی پارچه قید میکنند و پیش از آنکه باریکشتی برود مأمورین دولتی بدقت علامت و نام و نشان مأمورین را تفتیش میکنند و هر يك از این چند مأموری که گفته شد مالیات مخصوصی دریافت میدارد، در تنیس مالیات يك خيک روغن يك دینار است، در کنار شهر فسطاط مجاور رود نیل مالیات گمرک

بسیار سنگین است ، من در کرانه بندر تنیس باج ستانی را دیدم که میگفت روزی هزار دینار از همین محل باج میگیرم و در کرانه صعید و اسکندریه و غیره مانند آن باج خانه بسیار میباشد در اسکندریه از کشتی های مغرب و در فرما از کشتی های شام باج میگرفتند . باج کشتی ها در دریای سرخ (قلزم) از قرار باری يك درهم بود .

ابن حوقل میگوید: « هر سالی يك میلیون درهم از کالاهای صادره از آذربایجان بنواحی ری باج میگرفتند و این کالاها بیشتر برده و چهار پا و گاو و گوسفند و اجناس دیگر بود .

در آغاز خلافت عباسی و دوره ترقی آن مقدار این باج ها چندان زیاد نبود ولی در عصر انحطاط رو بفرونی گزارد :

۵ - **مستغلات و هایدات ضرابخانه** . منظور از مستغلات کرایه اماکنی است که زمین آن متعلق بدولت بوده و مردم در آن اماکن عمارت ساخته اند مانند بازار و خانه و آسیاب و غیره . ابن خرداد به میگوید: « تنها در آمد شهر بغداد از این بابت سالی يك میلیون و نیم درهم میشد و مستغلات و عایدی ضرابخانه سامرا بسالی ده میلیون درهم رسیده بود . »

عباسیان در دوره اقتدار و عظمت خویش از این نوع مالیاتها استفاده میکردند ، اما در آمد عمده آنان از مالیات زمینی (خراج) بود و تفصیل آن در فصل سابق

بطوری که قبلاً گفته شد در زمان امویان از هر جهت بمؤدیان مالیات ظالم میشد و مأمورین وصول و ایصال و یا با اجازه خلیفه و یا بدون اجازه خلیفه یولهای از مردم برای خود میستاندند . مثلاً معاویه برای استفاده از سیاست و تدبیر عمرو

۴. درستکاری و امانت مأمورین در وصول و ایصال مالیاتها

عاص در مقابل رقیبش علی (امیر المؤمنین) سراسر مصر را طعمه عمر و عاص قرار داد و او را در تمام امور صاحب اختیار کرد گاه هم عمال خلفاء بعنوان نیازمندی به پول برای جنگهای داخلی از مردم پولهای گزافی میگرفتند . چنانکه حجاج والی عراق همان کار را کرد و یا به بهانه ساکت کردن شخص متمردی پول زیادی جمع میکردند . و در

بعضی اوقات والی یا عامل خلیفه پولهایی گرد می‌آورد و خودش ضبط می‌کرد و بخلیفه میداد از آن جمله مسلمة بن عبدالملک والی عراق برادر یزید بن عبدالملک خلیفه اموی تمام مالیات عراق را یکجا برای خود برداشت و برادرش از ترس شورش و طغیان مسلمة چیزی از او نخواست و یا اینکه شرم کرد از وی مالیات را مطالبه کند.

گاه هم مأمورین عمل کرد (مالیات غنیمت و امثال آن) خود را پنهان مینمودند و بخلیفه خبر نمیدادند، گاه هم خبرش را بسمع خلیفه میرساندند اما پولش را نمی‌فرستادند چنانکه یزید بن مهلب پس از فتح گرگان در سال ۹۸ هجری اموال بسیاری غنیمت گرفت و شش میلیون درهم سهمیه بیت المال را نزد خود نگاهداشته خبرش را برای خلیفه بغداد فرستاد و همین بیش آمده‌ها سبب میشد که خلفاء اموال عمال را مصادره کنند. (شرح آن گفته شد).

عمال و مأمورین عباسیان ابتدا از کسان خودشان بودند و سپس ایرانیان را بآن سمت‌ها برگماشتند و آنان (ایرانیان) که خود دولت عباسی را برپا ساخته بودند از جان و دل با کمال دوستی بعباسیان خدمت میکردند، عباسیان هم حقوقهای گزافی بآنان میدادند. مثلاً همینکه مأمون سهل را بفرمانروائی کلیه ممالک مشرق تعیین کرد سالی سه میلیون درهم حقوق بوی داد در صورتیکه بزرگترین زقم حقوق عمال بنی امیه ۶۰۰ هزار درهم بود که به یزید بن عمر بن بصیره والی عراق پرداخت میشد.

هوش و کار دانی و خردمندی وزیران عباسی بخصوص برمکیان یکی از موجبات و پیشرفت کار خلفای عباسی بود. چه که با حسن تدبیر آنها کارهای دولت مرتب میگذشت مأمورین بددرستی و صداقت انجام وظیفه میکردند، خلاصه اینکه صمیمیت و درستکاری ایرانیان سبب شد که دولت عباسی به منتهای عظمت و جلال برسد و صمیمیت ایرانیان طبیعی بود. زیرا امویان (مخالفان عباسیان) ایرانیان را بسیار پست و حقیر میشمردند و آنان را آزار میدادند، موجبات دیگری هم برای ازدیاد درآمد عباسیان بوده که از آن جمله امنیت داخلی و نبودن جنگها خارجی در زمان مأمون میباشد و هر کس میداند که جنگ و ناامنی مردم را از زراعت و تجارت باز میدارد و درآمد مردم را در میدانهای کارزار بهدر میدهد.

در بخش اول این فصل موجبات ازدیاد در آمد عباسیان نسبت
موجبات کمی هزینه

بامویان را شرح دادیم و اینک بخش دوم یعنی موجبات کمی

هزینه پرداخته میگوئیم که مهمترین آن موجبات سه چیز بوده است از اینقرار :

شماره کارمندان هر دولتی با رژیم آن دولت ارتباط دارد

۱- کمی کارمندان

و بهمان نسبت کم و زیاد میشود. در رژیم های استبدادی

شماره کارمندان زیاد نمیشود، چون حکمرانان مستبد احتیاجی بمراجعه به پرونده

و مقررات ندارند و آنچه را که بخواهند بمیل و نظر خود انجام میدهند، برای نمونه محاکم

قضائی دوره استبداد و مشروطه را در نظر میگیریم و شماره کارمندان آن دو محکمه

را مقیاس قرا میدهیم همینطور سایر مؤسسات دولتی که نظیر محاکم قضائی میباشد

و برای نمونه کارمندان دولتی مصر را در زمان سابق و در وضع فعلی مقایسه میکنیم.

تا اواخر قرن ۱۸ میلادی یعنی پیش از آنکه نا پلئون بمصر بیاید اوضاع اداری

مصر بهمان سیستم معمولی که سلطان سلیم و پسرش سلطان سلیمان مقرر داشته بود

اداره میشد بدین معنی که فرمانروائی بنام پاشا از استامبول بمصر میآمد و ۲۴ بیک (طلبه

خانه) همراه وی بود و دوازده نفر آنان مقامات مهمی را عهده دار میشدند از اینقرار:

۱- کخیا قائم مقام پاشا و منشی مخصوص او .

۲- دفتر دار یا وزیر دارائی .

۳- امیر خزانة یا مأمور ایصال سهم باب عالی با استامبول .

۴- امیر الحاج که حاجیانرا بمکه میبرد .

۵- سه افسر برای اداره امور مرزی سویس (محل سابق کانال سویز . مترجم)

و دمیاط و اسکندریه .

۶- پنج فرماندار پنج شهرستان جرجا ، بحیره ، منوفیه ، غربیه ، شرقیه .

و چهار فرماندار شهرستان قلیوییه ، منصوره ، جیزه ، فیوم که آنانرا مدیر

میگفتند. بعلاوه اداره قضاة و امین ضرب و احتساب از ادارات دولتی آن روز بشمار میآمد .

سپاهیان شش هنگ بودند و هر هنگی را وجاق میگفتند از اینقرار :

۱- وجاق متفرقه مرکب از گارد مخصوص سلطان .

۲- وجاق چاووشان مرکب از افسران هنگ سلطان سلیم که مأمور وصول مالیاتها میشدند.

۳- وجاق شترسواران.

۴- وجاق تفنگچیان.

۵- وجاق ینی چری مرکب از افراد طوایف مختلف که تحت استیلا دولت عثمانی درآمده بودند و آنرا مأمورین امنیت (مستحفظین) نیز میگفتند چه که حفظ امنیت شهررها بآنان واگذار میشده است.

۶- وجاق عرب.

افراد این هنگها را وجاقلی میخواندند. هر وجاقلی فرماندهی داشت که آنرا آغا میگفتند و چندین مأمور بنام کخیا، باش اختیار، خزانهدار، روزنامه چی، تحت نظر آغا انجام وظیفه میکردند. پاشای بزرگ، مجلسی بنام پاشا از افسران وجاقلها تشکیل میداد و تمام امور بانظر آن شوری حل و فصل میشد.

این بود هیئت مدیره و حاکمیت مصر در زمان سابق که شماره کارمندان آن باستثنای سپاهیان ازدویست تا چهارصد میشد و امور مربوط به هیئت وزیران، وزارت خانهها، ادارات بهداشتی، شهربانی، زندان و غیره را انجام میداد. در صورتیکه کارمندان و مأمورین آن ادارات فعلا بهزاران میرسید.

واینک وضع ادارات و مؤسسات فعلی دولت مصر را از نظر تعداد کارمندان هم شرح میدهیم اکنون (زمان تألیف کتاب ۱۹۰۲) در نوع مستخدم در ادارات دولتی مصر هست یکی کارمند عالی رتبه مانند وزیر (ناظر) مدیر کل دفتر دار، محاسب و غیره و دیگر مستخدمین جزء مانند دربان و فراش و امثال آن و ارقام ذیل مربوط بکارمندان قسمت اول است.